

سخنی درمورد انتخابات

کلمه انتخابات در ساختار جمهوری اسلامی معنی و مفهوم واقعی خود را از دست داده و به واژه‌ای بی محتوی و عنوانی بدون مصدقاق تبدیل شده است. در اوضاع و احوال موجود ایران صرفنظر از اینکه پیش شرط‌های لازم برای انجام یک انتخابات واقعی مانند آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و آزادی احزاب محقق نیست آزادی کاندیدا شدن برای هر یک از افراد ملت ایران نیز قابل تصور نمی‌باشد و این فقط شورای نگهبان انتصاب شده از طرف حاکمیت است که باید اجازه دهد تا فردی بتواند بعنوان کاندیدا پایبر صحنه انتخابات بگذارد. و بدیهی است که این شورای انتسابی هم با استفاده از حربه نظارت استصوابی به احدی جز وابستگان و سرسپردگان به حاکمیت امکان حضور در انتخابات را نمیدهد نتیجه آنکه مردم در روز به اصطلاح انتخابات با لیستی از وابستگان به حاکمیت جمهوری اسلامی روبرو هستند که ناگزیرند فقط از میان آنان به یک نفر رای بدهند. از شخصیت‌های ملی و آزادیخواه، از متخصصین میهن دوست و از دگراندیشان کسی در صحنه نیست و برای ملت ایران تنها دوراه باقی می‌ماند یا باید در پای صندوق چنین انتخاباتی حضور نیابد و با بی اعتنایی به آن عدم قبول چنین انتخاباتی را به جهانیان نشان دهد و یا اگر بنا بر ملاحظاتی که بر همگان روشن است احساس کرد که نیاز به ممهور شدن شناسنامه خود به مهر انتخابات دارد فقط باید به یکی از عوامل حاکمیت رای بدهد البته تعداد زیاد آرای سفید و باطله نیز اجبار به رای دادن و نیاز به مهر خوردن شناسنامه هارانشان میدهد. به حال راه سومی برایش متصور نیست. در انتخابات‌های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه بر عدم رعایت موازین دموکراتیک و ناعادلانه و در محدوده خودی‌های حاکمیت بود ولی در انتخابات نهم ریاست جمهوری علاوه حاکمیت هم از ناسالمی آن فریادشان بلند شد و گفتند که ناچارند از این نابکاریها شکایت به درگاه خدا ببرند و بس. اکنون دولت نهم به پایان دوره خود نزدیک می‌شود و انتخابات جدیدی ظاهرا با همان شیوه‌ها و ترفندهای شناخته شده قبلی در پیش روست. دولت نهم با شعارهای نامعقول و نسنجیده و تنش آفرین از لحاظ سیاست خارجی و بین‌المللی چهار سال کشور را معطل نموده و چه بسا مخاطراتی را نیز برای کیان ملی ما فراهم نموده است و با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نادرست برخلاف شعار آوردن پول نفت بر سر سفره مردم قسمت‌های بسیار بیشتری از جامعه را به زیر خط فقر کشانده و تورم و گرانی و فقر و بیعدالتی روزافزونی را به این ملت تحمیل نموده است تا جائی که بخش‌هایی از درون حاکمیت و حتی مجلس ساخته و پرداخته حکومت فریاد اعتراضشان نسبت به عملکرد این دولت بلند شده است ولی با این حال هنوز مقامات بالای این نظام به فکر حمایت و ابقاء چنین دولتی با چنین دستاوردهایی هستند. از طرف دیگر جناح معروف به اصلاح طلبان درون حاکمیت با کارنامه پراز فرست سوزیهای گذشته نه از انسجام و وحدت نظر لازم برخوردار است و نه جسارت ضروری جهت انتقاد از وضع نابسامان موجود را دارد و نه شجاعت تاختن پرشور به میدان انتخابات که به هر حال امکان آن برای آنان فراهم است در آنها دیده می‌شود. ضمناً به این نکته مهم نیز توجه ندارند که مجموعه حاکمیت که از همه لحاظ بهینه است رسیده ناگزیر است تا بار دیگر به آمدن آنان به صحنه تن در دهد. یکی از چهره‌های اصلاح طلب که شانس بیشتر و فرصتی فزون‌تر برای ورود به عرصه انتخابات را دارد در انتظار چراغ سبز مقامات کلیدی نظام است و متوجه نیست که او نیاز به موافقت کسی ندارد و این کل حاکمیت است که نیازمند اوست زیرا که در شرایط داخلی و بین‌المللی موجود جایگزین دیگری در اختیارش نیست. آیا این اصلاح طلبان حکومتی واقعاً قادرند که از فرصت تاریخی که در اختیار آنان است درجهت نجات و ثبات کشور بهره بگیرند؟ و آیا اراده آن را دارند که آغازگر تغییرات بنیادی درجهت برقراری فضایی قابل تحمل و قابل قبول برای ملت ایران باشند؟ جبهه ملی ایران فضای سیاسی کشور را به دقت زیر نظر دارد و در زمان لازم نظر خود را درمورد انتخابات پیش رو رسماً به اطلاع ملت شرافتمند ایران خواهد رسانید.